

بررسی عدالت از دیدگاه امام علی (ع) با تکیه بر نهج البلاغه

کوثر موسوی

چکیده:

عدالت، یکی از مهمترین موضوعاتی است که در نهج البلاغه بدان توجهی خاصی شده است. هدف این پژوهش بررسی عدالت از دیدگاه امام علی (ع) با تکیه بر نهج البلاغه می باشد. در این مقاله، سعی بر آن است که با استناد به کتاب امیرالمومنین، سیره نظری و عملی آن حضرت در مقوله عدالت، به نگارش درآوریم. اطلاعات مربوط به این پژوهش به شیوهی کتابخانه‌ای و با روش توصیفی-تحلیلی جمع‌آوری شده است. بررسی نتایج پژوهش نشان داد، با عدالت جامعه از ظلم و گناه در امان است و احکام و قوانین به درستی اجرا خواهد شد و همچنین یکی از راه‌های افزایش عدالت، افزایش بعد معنوی مردم است.

کلید واژه: امام علی (ع)، عدالت، ظلم‌ستیزی، نهج البلاغه.

مقدمه

عدالت همیشه به عنوان موضوعی مهم مطرح بوده و این به خاطر جایگاه و نقش آن در زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها است. بحث عدالت در همه‌ی زمان‌ها و مکان‌ها ارزشمند است. عدالت در معنای مختلف آن یکی از اساسی‌ترین عنصر مهم جامعه بشری بوده است و جوامع بشری همواره سعی کرده‌اند از راه‌ها و بخش‌های مختلف فرهنگی، سیاسی و اقتصادی به آن تحقق بخشند. اهمیت اجرای عدالت از جمله اموری است، که در منابع اسلامی و سخنان معصومان دیده شده است.

امروزه عدالت الگویی برای حکومت و زمام داری می‌باشد. افزون بر گفتار مولا علی (ع) در باب عدالت، سیره آن حضرت نیز در حکومت، گویای اهمیت فراوان عدالت و جایگاه والای آن است. چه بیانی رساتر از این که قرآن و نهج البلاغه، استقرار عدالت و رفع ظلم و جور را یکی از دو هدف اساسی فلسفه بعثت انبیا عنوان کرده و آن را صفات الهی و بارزترین ویژگی خلقت و نیکوترین خصلت انسان معرفی نموده است. با توجه به اینکه مسئله عدل و عدم ظلم و جور برای جامعه انسانی از اهمیت خاصی برخوردار است.

از آنجا که عدالت از مهمترین مسئله جامعه بشری است، عدالت از منظر قرآن و روایات و همچنین نهج البلاغه ارزش ذاتی دارد و اصل مهمی است که در مورد آن سفارش زیادی شده است. در تمام ادیان بخصوص دین اسلام، در مورد موضوع عدالت، اختلاف‌ها و نظرهایی وجود داشته، از این رو در آثار زیادی به طور مجزا به مبحث عدل و عدالت پرداخته شده، که می‌توان به برخی از آن‌ها اشاره کرد: قربان علمی (۱۳۹۵) در مطالعه‌ای به بررسی عدالت اجتماعی در نهج البلاغه پرداخته است، و همچنین در این تحقیق عنوان گردید عدالت اجتماعی شامل چند عنصر است که مهم ترین آنها عبارتند از: ۱- کرامت انسان و اهمیت جامعه، ۲- برابری و توزیع عادلانه ثروت، ۳- مقابله با ظلم و حفاظت از ضعیف در برابر قوی، ۴- تامین امنیت اجتماعی و ۵- رعایت حقوق اجتماعی انسان می‌باشد. همه این عناصر در گفتار و کردار امام علی (ع) مورد بررسی قرار گرفته‌اند. و همچنین در مطالعه‌ای دیگری از پویا و صیادی (۱۳۹۵) تحت عنوان بررسی عدالت از دیدگاه امام علی (ع) با تکیه بر نهج البلاغه پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که محوری‌ترین اصلی که امام علی (علیه السلام) آن را مبنای قبول حکومت معرفی می‌کند و آن جلب اعتماد مردم و حفظ صیانت از حمایت‌های مردمی توصیه می‌نماید از منظر ایشان جمال و ابروی حاکمان و پایداری ملت به رعایت عدالت است.

برقراری عدالت بر پا ساختن بالاترین حدود الهی است که در سایه‌ی آن همه چیز احیا شده و راست می‌گردد. عدالت اجتماعی، وجهی از عدالت است که بر زندگی همگان تأثیر اساسی دارد، و صلاح و سامان آن، یا تباهی و

نابسامانی آن به شدت همه‌ی عرصه‌های زندگی را سمت و سو می‌دهد. فرهنگ رعایت حقوق انسان‌ها، فرهنگ ظلم‌ستیزی، عمران و آبادانی، سرمایه‌گذاری و ... از جمله بسترهای لازمی است که باید در جامعه نهادینه شود تا عدالت بر پا و راستی و رستگاری اجتماعی تحقق یابد. تعمق و تأمل در کلام امیرمؤمنین زمینه‌ها و بسترهای گسترده‌تر و بنیادی‌تری را در جهت تحقق عدالت مطرح می‌کند. با توجه به اینکه مسئله عدالت و عدم ظلم و جور برای حکومت و کشورها از اهمیت خاصی برخوردار است. بنابراین و با توجه به مطالب گفته شده، در این مقاله سعی خواهد شد به روش توصیفی به بررسی عدالت از دیدگاه امام علی(ع) با تکیه بر نهج البلاغه پرداخته شود. و همچنین در این پژوهش به شناساندن عدالت و راهکارهای اجرای آن و رفع ظلم‌ستیزی در جامعه اشاره شده، تا مسئولان با شناخت و آگاهی بیشتر به موضوع عدالت جهت پیاده کردن آن در حکومت اسلامی بگذارند.

مفهوم‌شناسی واژه عدالت

الف) عدالت در لغت: عدالت از نظر لغوی به معنای دادگری کردن، استقامت بر طریق حق و عدل مقابل ستم، بیداد و جور است (دهخدا، ۱۳۳۸: عدالت). و در فرهنگ فارسی عمید عدالت به معنای ۱- عادل بودن؛ انصاف داشتن؛ دادگر بودن. ۲- هماهنگی؛ تعادل. عدالت در فارسی به دو معنا آمده است: ۱- داد کردن، دادگر بودن و انصاف داشتن. ۲- دادگری انصاف اجتماعی، عدالتی که همه افراد جامعه از آن برخوردار باشند (فرهنگ فارسی معین، ۱۳۸۶: ۱۲). در معنای لغوی، برخی از لغویون عدالت را به معنای استقامت معنی کرده‌اند و معتقدند که عدالت عبارت است از استقامت در طریق حق و اجتناب از آنچه در دین محظور است (دهخدا، ۱۳۴۱: ۱۱۱) برخی دیگر عدل را مقابل ظلم و به معنای احقاق حق و اخراج حق از باطل و امر متوسط میان افراط و تفریط بیان کرده‌اند (سجادی، ۲۷۴: ۱۳۶۲-۲۷۵). همچنین برخی عدل را به معنای برابری و تساوی و انصاف و داد و ضد جور و مانند و مثل چیزی از وزن و قدر و یک لنگه از دو لنگه بار ستور (چهارپایان) می‌دانند (نفیسی، ۱۳۵۵: ۲۳۲۰ - ۲۳۲۳).

ب) عدالت در اصطلاح: عدالت در اصطلاح به معنای قرار گرفتن هرچیزی در مکان مناسب خود است. معنی دیگر عدل، تساوی و نفی هر گونه تبعیض است. وقتی می‌گویند فلانی عادل است، منظور این است که هیچ گونه تفاوتی میان افراد قائل نمی‌شود. بنابراین عدل یعنی مساوات (سبحانی فر و مردمی، ۱۳۹۱: ۴). فراهیدی واژه عدل را، سه معنا ذکر کرده است: آن چیزی که هم در حکم و هم در قول مورد پسند مردم است، فدیة و راه (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۳۸-۴۰).

در معنای اصطلاحی نیز عدالت در دو معنا به کار رفته است: نخست، به معنی برابری، مساوات، انصاف و بی طرفی. از این رو، برخی عدالت را به معنای تساوی و نفی تبعیض، رعایت تساوی در زمینه استحقاق های متساوی ذکر کرده اند (مطهری، ۱۳۵۲: ۲۱). عدالت، رعایت حقوق افراد و دادن حق هرکس به صاحبش است و خلافت ظلم است که عبارت است از پایمال کردن و تجاوز و تصرف حقوق دیگران، در نتیجه معنی حقیقی عدالت اجتماعی، یعنی عدالتی که در قانون بشری باید رعایت شود و افراد بشر آن را محترم بشمارند (مطهری، ۱۳۶۰: ۶۱).

حضرت علی نیز عدل را قرار دادن هر چیزی در جای خود معنا می فرماید: *الْعَدْلُ يَضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا*. و در جای دیگری آن حضرت عنوان کردند؛ عدل را عین استحقاق بیان می کند و معتقد است که عدل آن است که کسی را از حد واقعی استحقاقش، کمتر ندهند و اگر بیشتر از ارزش کارش به او مزدی داده شود این لطف و تفضل خواهد بود (نهج البلاغه: حکمت: ۴۳۷). از نظر فلاسفه حقوق؛ مهمترین تعریف از عدالت، عدالت دادن حق به صاحب حق است. امام علی می فرماید: عدالت هر چیزی را در جای خویش می نهد در حالی که بخشش آن را در جای خود خارج می سازد. عدالت تدبیر عمومی مردم است که درحالی که بخشش گروه خاصی را شامل است. پس عدالت شریفتر و برتر است (نهج البلاغه حکمت: ۴۳۷). علامه طباطبایی درباره مفهوم عدالت معتقد است، که عدالت این است که هر نیرویی به حق مسلم خود برسد و در جایی که شایسته قرار گیرد (طباطبایی، ۱۳۷۰: ۲۱).

عدالت در اندیشه مولا علی (ع)

در اندیشه امیرالمومنین اگر درحکومت عدالت برقرار نباشد. چنین حکومتی منجر به فساد و تباهی ناشی از بی عدالتی منجر می شد و ظلم و جور در حکومت بیداد می کرد و صلاح و شایستگی از جامعه رخت بر می بندد. عدالت از جمله مفاهیمی است که ابعاد و بزرگی آن همه افراد بشر را به تحسین و داشته است، انسان از وقتی که خود و جامعه را شناخته است، به ضرورت حضور ارزشمند عدالت در زندگی برای تعالی خود و اجتماعی پی برده است. عدالت از دیر و باز جز مهم ترین مباحث و دغدغه های بشر است. مسئله عدالت از فروع بحث حسن و قبح عقلی است (لشکری، ۱۳۸۸: ۱۲).

عدل پایه ای است که پایداری جهان به آن بستگی دارد (بحارالانوار: ج ۷۸). امام علی (ع) معتقد بودند که عدل عملکردی است که به وسیله آن نیازهای مردم برآورده شود و در صورت تحقق آن نیازمندی برجای نمی ماند اگر به شایستگی ادا شود؛ حق هرکس بی کم کاست به او داده می شود و هرکس در جایگاه شایسته خویش قرار می گردد (همان). عدالت استعداد فطری، درونی عقلایی و آرمانی است که عدالت فقط وقتی ارزشمند و واجد شرایط استفهام است که به عنوان رویکرد مقطعی و عارضی در رفتار انسان ظهور و بروز نکند، بلکه به ملکه نفسانی

و صفتی راسخ در نگرش و رفتار انسان تبدیل شود؛ به همین جهت است که حضرت در جای دیگری می‌فرماید: «العدل أفضل سجية: عدالت برترین خصلت‌هاست» (غررالحکم و دررالکلم: ج ۱). در مورد تأثیرات عدالت بر تداوم قدرت و حکومت، امام علی علیه‌السلام معتقدند: که «هیچ چیزی همانند عدالت، دولت‌ها را محافظت نمی‌کند» (غررالحکم و دررالکلم: ج ۵) و عدل چنان سپر محکمی است که رعایت آن، موجب تداوم قدرت و اقتدار نظام سیاسی می‌گردد (غررالحکم و دررالکلم: ج ۲). اما مهمترین و فراگیرترین اثر عدالت، در سازندگی و اصلاح جامعه متبلور می‌شود، چرا که «عدل سبب انتظام امور مردم و جامعه می‌باشد» و «هیچ چیز به اندازه عدالت نمی‌تواند مردم را اصلاح نماید.» (غررالحکم و دررالکلم: ج ۱) اجرای عدالت «مخالفت‌ها را از بین می‌برد و دوستی و محبت ایجاد می‌نماید» و در عمران و آبادانی کشور (توسعه اقتصادی، صنعتی) تأثیر بسزایی دارد (قزوینی، ۱۳۷۱: ۲).

اگر عدالت در جامعه اجرا نشود، ستم جای آن را خواهد گرفت و ستم جز آوارگی و بدبختی و در نهایت خشونت، در پی نخواهد داشت. حضرت خطاب به یکی از والیان خود می‌فرمایند: کار به عدالت کن و از ستم و بیداد پرهیز که ستم، رعیت را به آوارگی وادارد و بیدادگری، شمشیر در میان آرد» (نهج‌البلاغه، حکمت، ۴۷۶). برقراری اصل عدل در نظامات اجتماعی موقوف بر این است که؛ اولاً نظام تشریعی و قانونی نظامی عادلانه باشند و ثانیاً عملاً به مرحله اجرا درآید قرآن در مورد نظام تشریعی اسلام می‌گوید قل امر ربی بالقسط (اعراف آیه: ۲۹)، یا در مورد برخی دستورها می‌گوید: ذَلِكُمْ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ (بقره آیه: ۲۸۲). قرآن کریم امت و رهبری را (پیمان الهی) و مقامی ضد ظلم و توأم با عدل می‌داند یکی از اهداف مهم خداوند در ارسال رسل و انزال کتب برپاشدن نظام عدل مبارزه با ستم و بی‌عدالتی است (مطهری، ۱۳۹۱: ۱۱).

حضرت امیر از اوان خلافت خود در زمینه عدل و پرهیز از تبعیض و ظلم اعدام موضع نموده و اقدامات عملی دست زدند. چون یکی از ظلم‌های فاحشی که در جامعه آن روز بوجود آمده بود مسئله عدم تساوی مردم در بهره‌مندی از مواهب مادی زندگی و زراندوزی‌های بی‌حساب مسئولین حکومتی بود که اموال عمومی را ملک و حق خود داشته و امت را در فقر و تنگدستی نگاه می‌دارد (حاتمی طبری، ۱۳۷۸: ۴۳).

مولا علی تأکید زیادی به اجرای عدالت داشته‌اند. تا آنجا که مردم را به عدالت برمی‌انگیختند. چنین قاطعیتی در اجرای حق و عدالت و مبارزه با ستمگر، می‌تواند یک جامعه مبتنی بر عدالت و جامعه عادلانه‌ای ایجاد کند که در سایه آن، بشر بتواند به تمام استعدادهای نهفته خود دست یابد و بهترین الگوی حکومتی را از خود باقی گذارد.

تو برسد، آنچه را که در اختیار داری، نگهدار تا کسی که آن را از تو تحویل خواهد گرفت، بیاید (بحارالانوار، ج ۴۱: ۱۱۹) (حکیمی، ۱۳۷۹: ۱۰).

نوع نگاه به ظلم، نقش مهمی در فرهنگ ظلم ستیزی دارد، تا زمانی که نگاه مردم به ظلم اصلاح نگردد، و تلاش همگانی برای زدودن آن شکل نگیرد تحقق عدالت در جامعه امکان پذیر نخواهد بود. گاهی افراد به منظور اهداف متفاوتی که دارند، آگاهانه یا نا آگاهانه دست به اعمالی می‌زنند که منجر به ظلم و بی عدالتی می‌شود. ظلم همه‌ی ابعاد و زوایای زندگی بشر را تحت تأثیر قرار می‌دهد. و دامنه‌ی وسیع آن در ابعاد مختلف عبادی، فردی، اجتماعی، سیاسی، و اقتصادی قابل مشاهده می‌باشد. ظلم در کوتاه مدت منافع شخص یا کشوری را تأمین می‌کند. ولی اثرات مرگبار آن در دراز مدت قابل انکار نیست. عدالت با ظلم و تبعیض معنایی ندارد و توازن و تعادل را برقرار نمی‌کند. عدل‌گرایی و ظلم ستیزی از نظر معصومان تفکیک ناپذیر است. بنابراین مسئولان علاوه بر اهتمام جدی به اجرای عدالت، تلاش به از بین بردن ظلم در جامعه انسانی شوند.

قاطعیت در اجرای عدالت

این که امام (علیه السلام) براساس اصل حق‌مداری و در راه اجرای عدالت، هیچ ملاحظه‌ای جز انجام وظیفه و کسب رضای الهی را در نظر نداشت، بر هیچ کس پوشیده نیست. لذا در اینجا تنها به چند نمونه از نمودهای این اصل، در دوران حکومت علوی اشاره می‌کنیم (ماندگار، ۱۳۸۱: ۱۰۵). الف) در مورد زمین‌های واگذار شده در زمان قبل از خلافت حضرت علی (ع) که به افرادی بخشیده شده بود، ایشان با شدت سوگند یاد کرد که اگر آن‌ها را بیابم، به بیت المال باز خواهم گرداند حتی اگر مهریه‌ی زنان قرار گرفته باشند (نهج البلاغه حکمت: ۱).

ب) سخنانی که در ابتدای حکومت و خلافت ایراد کرد و در آن، با صراحت، همه‌ی سیاست‌ها را مطرح کرده و خبر از قاطعیت در اجرای حق و عدالت داد، علی رغم این که بعضی توقع نرمش را از حضرت داشتند (نهج البلاغه حکمت: ۱۶).

ج) سخنرانی حضرت، پس از فرونشاندن شورش نهروان، در سال ۳۸ هجری که در کوفه ایراد شد و در آن به سابقه‌ی خود اشاره می‌کند که در هیچ جا درباره‌ی حق، کوتاه نیامده است (نهج البلاغه حکمت: ۳۷).

د) هنگامی که به علت رعایت مساوات در تقسیم بیت المال، مورد انتقاد قرار گرفت و به امام (ع) گفته شد که مردم به دنیا دل بسته‌اند، معاویه با هدایا و پول‌های فراوان، آنان را جذب می‌کند، شما هم از اموال عمومی به اشراف عرب و بزرگان قریش ببخش و از تقسیم مساوی بیت المال دست بردار تا به تو گرایش پیدا کنند، امام (ع)

اظهار می‌دارد که اگر این اموال از خودم بود، آن‌ها را به طور مساوی در میان مردم تقسیم می‌کردم، چه رسد که جزو اموال خدا است (جعفری، ۱۳۸۵: ۲۸ به نقل از پویا و صیادی، ۱۳۹۵: ۳).

ه) آن گاه که همه با امام بیعت کردند و عبدالله بن عمر، سعد بن ابی وقاص، محمد بن مسلمه و غیره سرباز زدند. امام (ع) در سخنانی فرمود: به خدا سوگند! داد ستم‌دیده را از ظالم ستمگر ستانم و مهار ستمگر را بگیرم و به آبشخور حق وارد سازم، گر چه تمایل نداشته باشد. (نهج البلاغه، خطبه: ۳)، و) در برابر ناکشین که پس از بیعت با امام (ع) به ایشان اعتراض کردند که چرا در امور کشور با آنان مشورت نکرده و از آنان کمک نگرفته است، حضرت (ع) قاطعانه پاسخ می‌دهد: به اندک چیزی خشمناک شوید به من خبر دهید که کدام حق را از شما باز داشته‌ام؟ (همان). نکته‌ی دارای اهمیت در سیاست علوی، این است که قاطعیت با نرمش تلفیق شده و به عنوان یک اصل تربیتی، مورد استفاده‌ی حضرت (ع) قرار گرفته است. امام (ع) در ابتدای حکومت خود پس از جنگ جمل، نامه‌ای را به وسیله‌ی جرین بن عبدالله برای معاویه می‌فرستد و مشروعیت حکومت خود را براساس و مبنای معاویه، که تکیه بر جمعیت مردم و تصمیم شورای مهاجر و انصار بوده، توضیح می‌دهد، هر چند حضرت (ع) اعتقاد و باور خود را به امامت و رهبری، در جای دیگر بیان فرموده است. ولی در مقابل معاویه، با مبنای او به طریق مماشات رفتار می‌کند و در ادامه، قاطعیت خود را در برابر گردن کشان اعلام می‌دارد (نادری قمی، ۱۳۸۷: ۳۶۳ به نقل از پویا و صیادی، ۱۳۹۵: ۳).

نتیجه‌گیری

عدالت نقش بسیار مهمی در زندگی فردی و اجتماعی و حتی در بخش‌های سیاسی و اقتصادی دارد و در اسلام بر آن تأکید شده و از انسان‌های مومن خواسته شده، عدالت را در تمام بخش‌های مهم جامعه بشری اهتمام بورزند. عدل باعث قوام زندگی فردی و اجتماعی و ملاک دینداری و موجب سعادت دنیوی و اخروی می‌شوند. بنابراین عنصر عدل نقش مهمی در حیات دنیوی و اخروی انسان‌ها احیاء می‌کنند. عدالت بدون زمامداران عادل استقرار پیدا نمی‌کند و عموم افراد جامعه هم باید قوانینی را که حکومت برای این امر وضع می‌کند محترم شمرده و اجرا کنند تا در جامعه هرج و مرج پیش نیاید.

هدف مقاله حاضر بررسی عدالت از دیدگاه امام علی (ع) با تکیه بر نهج البلاغه بوده است. با توجه به مباحثی که انجام شد و مصادیقی که از گفتار و رفتار (سیره نظری و عملی) امام علی (ع) در خطبه‌های متعددی از نهج البلاغه و در ارتباط با مشی آن حضرت در عدالت آورده و مورد بررسی قرار گرفت؛ و نتایج حاکی است که حکومت چندساله امام علی نشان می‌دهد که مفهوم عدالت قابلیت تحقق است و فقط یک شعار آرمانی نیست. همچنین

عدالت یک هدف است و ایجاد حکومت اسلامی وسیله برای تحقق آن می‌باشد. صفت عدل باعث قوام امور زندگی مردم می‌شود، و بواسطه عدل است که مردم از ظلم و نابسامانی و گناه در امان می‌مانند. احکام و قوانین بواسطه برقراری عدالت احیا و اجرا می‌گردد. با استقرار حکومت براساس عدالت امنیت و ثبات کشور تضمین و آرامش بر جامعه انسانی حاکم خواهد شد. به امید ظهور مهدی موعود عج و برقراری حکومت عدالت‌گستر شاهد خواهیم بود.

منابع:

۱. قرآن کریم مجید.
۲. نهج‌البلاغه.
۳. ابراهیمی، نرگس، "زمینه‌های تحقق عدالت اقتصادی از دیدگاه امام علی با تکیه بر نهج‌البلاغه"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد. رشته‌ی علوم و معارف نهج‌البلاغه، دانشگاه قران و حدیث، پردیس تهران، ۱۳۹۵ ه.ش.
۴. استیری، اکرم، "عدالت در اخلاق فردی و اجتماعی با تکیه بر دیدگاه امام خمینی"، فصلنامه ترویجی علمی/اخلاق، شماره ۴(۱۱)، ۱۳۸۷ ه.ش. صص ۳۸-۷.
۵. امام خمینی، روح‌الله، "صحیفه‌امام: مجموعه آثار امام خمینی(س) (بیانات، پیام‌ها، مصاحبه‌ها، احکام، اجازات شرعی و نامه‌ها)"، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(س)، ۱۳۷۸. جلد ششم، چاپ پنجم، ۱۳۸۹ ه.ش.
۶. برزگر، محمدعلی، "اخلاق و سیاست در اندیشه و رفتار سیاسی امام علی (ع)". زمزم هدایت وابسته به پژوهشکده علوم/اسلامی/امام صادق (ع)، چاپ اول، ۱۳۸۴ ه.ش.
۷. پورعزت، اصغر، "عدالت امام علی و ایران آینده"، مجله پژوهش‌های نهج‌البلاغه، شماره ۳۲. ۶۷-۷۸. ۱۳۹۰ ه.ش.
۸. پویا، مریم. صیادی، علی‌حسین. "بررسی از امام علی (ع) دیدگاه با تکیه بر نهج‌البلاغه". اولین کنگره ملی توانمندی سازی جامعه در حوزه مشاوره و خانواده، تعلیم تربیت اسلامی، ۱۳۹۵ ه.ش.
۹. تمیمی، نعمان بن محمد، دعائم الاسلام. مصر: دارالمعارف، ۱۸۲/۱. ۱۳۸۵ ه.ش.
۱۰. حکیمی، محمد و دیگران، "ترجمه الحیاه"، نشر دلیل ما، جلد پنجم، چاپ دوازدهم، ۱۳۹۵ ه.ش.
۱۱. حاتمی طبری، کاظم، مجله فرهنگ کوثر/۷۸/شماره ۳۰. (۱۳۷۸).

۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، "فرهنگ قرآنی راغب (المفردات فی غریب القرآن راغب اصفهانی)". نشر آراس، چاپ دوم، ۱۳۹۶ ه.ش.
۱۳. زمان پور، مجید، "همای رحمت امام علی (ع): برگرفته از آثار امام خمینی"، نشر مدارس هوشمند (وابسته به موسسه فرهنگی، هنری، پژوهشی آفتاب مهر تهران)، چاپ اول، ۱۳۸۶ ه.ش.
۱۴. سبجانی فر، محمد جواد. مردمی، ابوالقاسم. "عدالت اجتماعی در فرهنگ علوی". نشریه دوفصلنامه پاسداری فرهنگی/انقلاب/اسلامی. سال دوم. شماره ۶. ۲۰۲-۱۷۷. ۱۳۹۱ ه.ش.
۱۵. شبذینی شاک، محمد. "مبانی نظری عدالت اجتماعی در اسلام". زمزم هدایت وابسته به پژوهشکده علوم اسلامی/امام صادق (ع). چاپ اول. ۱۳۹۰ ه.ش.
۱۶. شرتونی، سعید، "اقرّب الموارد فی فصیح العربیّه و الشوارد". ابن فارس. تهران، انتشارات اسوه. ج ۳. ص ۴۹۴. ۱۳۸۵ ه.ش.
۱۷. شهیدی، سیدجعفر، "نهج البلاغه"، مؤلف: محمد بن حسین شریف الرضی. نشر شرکت/انتشارات علمی و فرهنگی. چاپ بیست و ششم. ۱۳۸۵ ه.ش.
۱۸. صدرا، علیرضا، "عدالت متعالی". فصلنامه سیاست مجله حقوق و علوم سیاسی. دوره ۳۹. شماره ۱. ۱۹۵-۱۷۵. ۱۳۸۸ ه.ش.
۱۹. صادقی نیری، رقیه، "عدالت، مفهومی قابل تحقق، نه آرمانی". مجموعه مقالات نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع عدالت. سایت الکترونیکی دیگران. ۱۳۹۰ ه.ش.
۲۰. طباطبایی، سیدمحمد، "روابط اجتماعی در اسلام". نشر بعثت. چاپ اول. ۱۳۹۴ ه.ش.
۲۱. طباطبایی، سیدمحمد، "تفسیر المیزان". نشر بنیاد علمی-فکری علامه طباطبایی. نشر فرهنگی رجاء. جلد اول. ۱۳۷۰ ه.ش.
۲۲. طریحی، فخرالدین بن محمد، "مجمع البحرین". نشر مرتضوی. جلد پنجم. چاپ اول. ۱۳۷۶ ه.ش.
۲۳. علمی، قربان، "عدالت اجتماعی در نهج البلاغه". پژوهش‌های قرآن و حدیث. سال چهل و نهم. شماره ۱. ۵۷-۹۰. ۱۳۹۵ ه.ش.
۲۴. علیخانی، علی اکبر، "توسعه سیاسی از دیدگاه امام علی (ع)". موسسه انتشارات/میرکبیر، شرکت چاپ و نشر بین‌المللی. چاپ سوم. ۱۳۸۴ ه.ش.
۲۵. عابدی، خیزران، "بررسی رابطه عدالت و تقوا از منظر قرآن و روایات"، پایان نامه کارشناسی ارشد، گروه الهیات. دانشگاه اراک، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ۱۳۹۷ ه.ش.
۲۶. قرائتی، محسن، درس‌هایی از قرآن، نشر صبا، چاپ سوم، ۱۳۶۶ ه.ش.

۲۷. قزوینی، عبدالکریم بن محمدیحیی، "بقا و زوال دولت در کلمات سیاسی امیرالمومنان (ع) [نظم الغرور و نضال الدرا]"، به کوشش: جعفریان. رسول. انتشارات کتابخانه عمومی ایت الله مرعشی قم. ۱۳۷۱ ه.ش.
۲۸. کریمی، احمد، "ماهیت عدالت از دیدگاه امام علی علیه السلام"، پایانامه کارشناسی ارشد (A.M). رشته علوم سیاسی، واحد تهران مرکز- دانشکده علوم سیاسی. دانشگاه آزاد اسلامی. ۱۳۹۳ ه.ش.
۲۹. کلانتری خلیل آباد، عباس، "عدالت فقهی". نشر پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، چاپ اول. ۱۳۹۲ ه.ش.
۳۰. فراهیدی، خلیل بن احمد. العین، ج ۲، صص ۳۳. بی تا.
۳۱. طباطبایی، سید محمد حسین، "المیزان فی تفسیر القرآن". بیروت: مؤسسه اعلمی للمطبوعات، ۳۷۱/۱. ۱۴۱۱ ه.ق.
۳۲. کلینی، محمد بن یعقوب، "الکافی". تهران: کتابفروشی اسلامیة ۵۶۸/۳. ۱۳۶۲ ه.ش.
۳۳. لشکری، علیرضا، "حق، عدالت و جامعه". دو فصلنامه علمی- پژوهشی جستارهای اقتصادی. سال ۶. شماره ۱۲. ۵۷-۳۱. ۱۳۸۸ ه.ش.
۳۴. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی. بهبودی، محمدباقر. "بحارالانوار". نشر اسلامیة. چاپ چهارم. ۱۳۸۴ ه.ش.
۳۵. مطهری، شهید مرتضی "عدل الهی". نشر صدر. چاپ سی و هشتم. ۱۳۹۱ ه.ش.
۳۶. مطهری، شهید مرتضی. "سیری در نهج البلاغه". نشر صدر. چاپ ۵۸. ۱۳۹۴ ه.ش.
۳۷. مطهری، شهید مرتضی. "مجموعه آثار". تهران: انتشارات صدر. ۱۳۸۱ ه.ش.
۳۸. محمدی اشتهاردی، محمد، دیلمی، حسن بن محمد، "ارشاد القلوب دیلمی {۵۴} مجلس در مواعظ و نصایح از آیات خدا و احادیث پیامبر (ص) و ائمه (ع)". مترجم: علی سلگی. جلد اول. ۱۳۹۱ ه.ش.
۳۹. مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۸، ص ۵۳. بی تا.
۴۰. میرعرب، فرج الله، "درس‌هایی از سیره معصومان". اداره کل پژوهش، برنامه و تالیفات، نهج البلاغه. ۱۳۸۷ ه.ش. ترجمه محمد دشتی. قم: بوستان کتاب. ۱۳۸۴ ه.ش.
۴۱. یوسفی، احمدعلی، "نظام اقتصاد علوی مبانی"، اهداف و اصول راهبردی، تهران. انتشار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. چاپ دوم. ۱۳۸۶ ه.ش. صص ۲۹۳.